

دولت ها و شرکت های ملی نفت (در کشورهای عضو اوپک)

تألیف:

اسلام افضلی

کارشناس ارشد حقوق نفت و گاز

با دیباچه ای از:

دکتر ولی رستمی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه : افضلی، اسلام
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۴۹۰۸۴
 عنوان و نام پدیدآور : دولت‌ها و شرکت‌های ملی نفت (در کشورهای عضو اوپک)
 مشخصات نشر : تهران: مجد، ۱۳۹۴.
 یادداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی:
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شناسه افزوده : رستمی، ولی
 وضعیت فهرست نویسی : فیبای مختصر
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۳۸۹-۹

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
 موارد تخلف را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

دولت‌ها و شرکت‌های ملی نفت (در کشورهای عضو اوپک)

تألیف: اسلام افضلی

انتشارات مجد

چاپ اول : ۱۳۹۴ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصراً «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، میدان انقلاب، خیابان وحید نظری، تقاطع ۱۲ فروردین پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۳۸۹-۹

ISBN: 978-600-193-389-9

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم، تلفن: ۶۶۴۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منبری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷، تلفن: ۶۶۴۸۶۷۴

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام‌خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۰۲۱۶۶۴۹۰۹۹۸
 فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور بطور منظم منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

چکیده	۹
دیباچه	۱۱
مقدمه	۱۷
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۲۱
مقدمه	۲۳
مبحث اول: تاریخچه شکل‌گیری شرکت‌های ملی نفت	۲۷
گفتار اول: ملی‌سازی	۳۲
گفتار دوم: مشارکت در مقابل ملی‌سازی	۳۴
گفتار سوم: شروع به فعالیت شرکت‌های ملی نفت	۳۶
مبحث دوم: دلایل تأسیس شرکت‌های ملی نفت	۳۹
گفتار اول: دلایل اقتصادی	۳۹
گفتار دوم: دلایل سیاسی	۴۱
مبحث سوم: تحول شرکت‌های ملی نفت	۴۳
نتیجه	۴۴
فصل دوم: رابطه شرکت ملی نفت ایران با دولت	۴۹
مقدمه	۵۱
مبحث اول: شرکت ملی نفت ایران با دولت	۵۳
گفتار اول: رابطه سازمانی شرکت ملی نفت با دولت	۵۵
درآمدی بر استقلال سازمانی شرکت ملی نفت در طرح‌های سه قلو	۶۰
گفتار دوم: رابطه مالی شرکت ملی نفت ایران با دولت	۶۵
بخش اول: قبل از انقلاب اسلامی	۶۶
بخش دوم: پس از انقلاب اسلامی	۶۷
مبحث دوم: رابطه مجلس با شرکت ملی نفت	۷۲
نتیجه	۷۴

فصل سوم: رابطه شرکت ملی نفت عربستان با دولت	۷۷
مقدمه	۷۹
مبحث اول : رابطه آرامکو با دولت عربستان سعودی	۸۹
گفتار اول : رابطه سازمانی آرامکو با دولت	۹۲
گفتار دوم : رابطه مالی آرامکو با دولت	۹۹
نتیجه	۱۰۲

فصل چهارم: رابطه شرکت ملی نفت کویت با دولت	۱۰۵
مقدمه	۱۰۷
مبحث اول : رابطه شرکت ملی نفت کویت با دولت	۱۱۲
گفتار اول : رابطه سازمانی شرکت ملی نفت کویت با دولت	۱۱۳
گفتار دوم : رابطه مالی شرکت ملی نفت کویت با دولت	۱۲۳
نتیجه	۱۲۷

فصل پنجم: رابطه شرکت ملی نفت امارات با دولت	۱۳۱
مقدمه	۱۳۳
مبحث اول : رابطه ادنوک با دولت	۱۳۹
گفتار اول: رابطه سازمانی ادنوک با دولت	۱۴۰
گفتار دوم: رابطه مالی شرکت ملی نفت ابوظبی با دولت	۱۴۸
نتیجه	۱۵۰

فصل ششم: رابطه شرکت ملی نفت الجزایر با دولت	۱۵۳
مقدمه	۱۵۵
مبحث اول: رابطه سوناتراک با دولت	۱۶۱
گفتار اول: رابطه سازمانی سوناتراک با دولت	۱۶۳
رابطه مالی سوناتراک با دولت	۱۶۹
نتیجه	۱۷۱

فصل هفتم: نتیجه گیری	۱۷۵
مبحث اول: سیر تکاملی مأموریت شرکت‌های ملی نفت	۱۷۸
گفتار اول: روند گذشته تاکنون	۱۷۸
گفتار دوم: نسل جدید و پیش رو	۱۸۱
گفتار سوم: ایجاد تعادل در روابط	۱۸۲
مبحث دوم: ساختار سازمانی و مدیریتی شرکت ها	۱۸۵
مبحث سوم: نظارت مجالس	۱۸۹
مبحث چهارم: ساختار مالی شرکت ها	۱۹۱
نتیجه کلی	۱۹۵
پیوست	۲۰۱
فهرست منابع	۲۰۷

فهرست علائم اختصاری

نشانه	مفهوم
NOC	شرکت ملی نفت
NIOC	شرکت ملی نفت ایران
ARAMCO	شرکت ملی نفت عربستان سعودی
Sonatrach	شرکت ملی نفت الجزایر
ADNOC	شرکت ملی نفت امارات متحده عربی
KPC	شرکت نفت کویت (ملی)
PIW	مجله نفتی بین‌المللی (هفتگی)
CFP	شرکت فرانسوی نفت
KOC	شرکت نفت کویت
CBI	بانک مرکزی ایران
ILSA	قانون تحریم ایران-لیبی
NISOC	شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب
NICO	شرکت نفت ایران
pemex	شرکت ملی نفت مکزیک
IMF	صندوق بین‌المللی پول
HEC	شورای عالی اقتصاد
SABIC	شرکت صنایع پایه عربستان
Samarec	شرکت پالایش و بازاریابی عربستان سعودی
APQ	برنامه مقدار تولید متوسط
OPEC	سازمان کشورهای صادرکننده نفت
OAPEC	سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت
CMA	سازمان سرمایه‌گذاری عربستان سعودی
BTU	واحدی است برای اندازه‌گیری انرژی
SPC	شورای عالی نفت
HSE	شاخص‌های بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست
KD	واحد پول کویت
PIC	یکی از شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت کویت
APS	انجمن فیزیک آمریکا
UNIDO	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد

چکیده

شرکت‌های ملی نفت در عرصه جهانی به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصادی و دولت‌ها به‌مثابه قدرتمندترین نهاد سیاسی شناخته می‌شوند از این رو انتخاب بهترین نوع رابطه بین این دو یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث حقوقی، اقتصادی و سیاسی طی دهه‌های اخیر به‌ویژه در میان اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) بوده است. لذا از آنجا که انتخاب رابطه ای مناسب میان این دو در کشور ما نیز از اهمیت فراوان برخوردار بوده از همین رو پژوهشگر، ضمن بیان تاریخچه‌ای مختصر از شکل‌گیری و تحول شرکت‌های ملی نفت در نظام اقتصادی دولت‌ها، به بررسی رابطه سازمانی و مالی میان دولت و شرکت‌های ملی نفت در پنج کشور ایران، عربستان، کویت، امارات متحده عربی و الجزایر پرداخته و پژوهشگر در انتها ضمن بررسی تطبیقی این رابطه‌ها و ارائه پیشنهادهایی در زمینه بهبود رابطه میان دولت و شرکت ملی نفت ایران، این پژوهش را به اتمام رسانده است.

دیباجه

در مهم ترین مناطق تولید نفت در جهان، صنعت نفت ملی شده است و حدود نود درصد از ذخایر نفتی جهان در اختیار شرکت های دولتی است. پنج شرکت ملی نفت^۱ که در اینجا مورد بررسی قرار گرفته اند، در مجموع، حدود نیمی از منابع نفت جهان را در اختیار دارند. در مورد این غول های نفتی چه می دانید؟ ما در مورد شیوه ی عملکرد و طرز اداره ی آنها چه اطلاعی داریم؟ آیا برای آنها سیاست از سود مهم تر است؟ آیا آنها مهارت تجاری و فناوری برای توسعه منابع نفتی خود را در اختیار دارند؟ با وجود وابستگی اقتصادی کشورهای توسعه یافته و همچنین کشورهای صاحب این منابع، اطلاعات کمی در مورد طرز کارکرد و ساختار شرکت های آنها در اختیار داریم.

از چشم انداز صنعت نفت، مطالعه شرکت های ملی نفت حائز اهمیت فراوانی است. بسیاری از آنها در حال حضور پررنگ در صحنه بین المللی هستند زمان زیادی طول نمی کشد تا آنها پا در کفش کارتل های نفتی^۲ دنیا بگذارند و این روند زمانی آغاز شد که دولت ها بخش نفت خود را ملی اعلام کردند. شرکت های ملی نفت معمولاً جاه طلبی های زیادی دارند آنها برای کشف و توسعه ذخایر جدید و سرمایه گذاری ها در بخش تصفیه و پالایش در خارج از کشورهای خود با کارتل های نفتی رقابت می کنند. شرکت هایی نظیر شرکت ملی نفت چین، هند و مالزی برای عقد قرارداد در کشورهای چون ایران، عربستان و سودان در کانون توجه هستند. بعضی از این شرکت های ملی نفت به این علت که کشورهای میزبان معمولاً نسبت به در اختیار گذاشتن منابع خود برای خارجیان از خود حساسیت نشان می دهند در حال خصوصی سازی هستند. آغاز این جهش در تابستان سال ۲۰۰۵ در شرکت ملی نفت فلات قاره چین (CNOOC) آغاز شد و این زمانی بود که یک شرکت ملی نفت در چین سهام شرکت نفتی غربی یونوکال را در بورس اوراق بهادار نیویورک خریداری کرد که این خرید جابه طلبانه به همراه

1 . Kuwait Petroleum Corporation(KPC), the National Iranian Oil Company (NIOC), Sonatrach (Algeria) and the Abu Dhabi National Oil Company (ADNOC).

2 . oil major

خصوصی سازی موفق روسیه در شرکت YOKUS، خبر از آغاز یک نبرد با بازیگرانی جدید می داد. صنعت نفت در این جریان قرار گرفت. تنها یک دهه قبل، شاید کمتر کسی جرأت مطرح کردن چنین امری را داشت اما اکنون این شرکت های ملی نفت هستند که جسارت تغییر را در خود دیده اند.

شرکت های ملی نفت اغلب بین انتظارات ملی و جاه طلبی های داخلی و موفقیت های تجاری دچار یک تعارض شده اند. شرکت های ملی نفت با آموزش افراد جوان با بالاترین استاندارد ها، توسعه فناوری های محلی، ایجاد فرصت هایی برای بخش خصوصی و توسعه زیر ساخت های کشور اغلب بهترین کارفرمایان هستند. اما اساساً مبارزات داخلی کشورها برای استقلال، شرکت های ملی نفت را به یک نهاد سیاسی مقدس تبدیل ساخته است. همانطور که دبیر کل سابق اوپک اعلام کرد: «اگر چه چند دهه از دوران ملی کردن گذشته است، شرکت های ملی نفت ما همچنان دارای یک موقعیت سیاسی و نه منحصر به فرد در چشم کشورهای مربوطه می باشند. آنها هنوز هم به عنوان نمادی از حاکمیت ملی هستند که خود را وقف توسعه منابع با ارزش در کشورهای ما کرده اند.» همچنین احساسات عمیق اجتماعی نسبت به کنترل بر منابع همچنان در جوامع شرقی و آمریکای لاتین وجود دارد. این احساسات در مقابل تلاش های خارجی برای به دست گرفتن منابع هیدروکربوری در سرزمین های آنان، شکل گرفته است.

از نگاه کشورهای تولید کننده یک شرکت ملی با توان رقابتی بالا و فرایند اداره خوب ممکن است نسبت به بخش خصوصی که فرایند دسترسی شرکت های نفت خارجی را بر منابع تسهیل می کند ارجحیت داشته باشد. شرکت های ملی نفت دارای اساسنامه، ساختار و دارای تمایل بیشتری برای پاسخگویی به نیاز های جامعه و منافع دولت هستند. تحت مدیریت مالی بهینه، آنها توانستند درآمد بیشتری را برای دولت هایشان نسبت به سود شرکت های خصوصی برای سهامدارانشان به ارمغان بیاورند. آنها علی رغم ناکارآمدی اولیه اما رفته رفته به بعضی موارد دست یافتند از جمله، بهره مالکانه، مالیات ها، همچنین سود سهامی که به دولت هایشان پرداخت کردند رقم خیلی بالایی بود. آنها همچنین ممکن است در خدمت علایق سیاست خارجی دولت هایشان باشند که محصولات خاص را تنها در

بازارهای خاصی عرضه می کند و از طرف دیگر، تمایل آنها برای توسعه نسبت به شرکت های نفتی بین المللی، به منظور تعادل در بازار نفت جهان بیشتر است. علاوه بر این تعدادی از سرمایه گذاری های جامعه، برای خدمت به منافع بلند مدت خود اجتماع طراحی شده اند، این مورد از جمله برنامه های آموزش اتباع است و به منظور توسعه ظرفیت در بخش خصوصی داخلی صورت می گیرد. با وجود سیاست های ملی و بین المللی و زیست محیطی در تولید و تجارت، امروزه نفت بیشتر از آنکه سیاسی باشد سیاسی و اقتصادی است. در حقیقت، مدیران شرکت های ملی نفت (شاید به غیر از ایران) در بیشتر قسمت ها، به طرز محسوسی غیر سیاسی عمل می کنند و اولویت های خود را برای تخصیص منابع در جهت توسعه صنعت، استقلال عملیاتی و کمک به رفع چالش های اقتصادی ملی خود قرار می دهند.

من دریافتم که سیاست تنها یک پس زمینه را برای فضای عملکرد شرکت ملی نفت، شکل می دهد. این مشاهدات اشاره به یک رابطه پیچیده بین شرکت های ملی نفت و جامعه و دولت دارد که برای درک شرکت های ملی نفت ضروری است. واگرایی های متفاوتی در نگرش و علایق بین اجتماع، دولت و شرکت های ملی نفت وجود دارد. رویدادها در صنعت نفت و گاز حامل ارزش سیاسی برای جوامع کشورهای تولیدکننده هستند. دیدگاه های سیاسی مورد قبول اکثر سیاستمداران یک کشور نگرش های ویژه ای به خصوص به بخش سرمایه گذاری خارجی مطرح می کند. اتباع بسیاری از کشورهای تولید کننده انتظار دارند تا درآمدهای نفتی برای تأمین مالی خدمات عمومی مورد استفاده قرار بگیرد. دولت میانجی میان جامعه و شرکت ملی نفت است. این روند سیاسی می تواند دولت ها را رهنمون سازد به سمت داشتن اهداف متناقض برای مثال، در پی دستیابی به بالاترین درآمد از صنعت نفت خود هستند تا زمانی که دولت از شرکت ملی نفت بخواهد که برنامه های اجتماعی را سر لوجه کار خود قرار دهد که این امر سبب ایجاد مانع برای اجرای برنامه ها و افزایش هزینه ها خواهد شد. در حقیقت می توان شرکت های ملی نفت را ابزار هایی در اختیار دولت ها دانست که از طریق آنها می توانند به تعدادی از اهداف سیاسی خود دست یابند. اما مدیران این شرکت ها به دنبال آزادی برای مدیریت صنعت خود بدون دخالت دولت ها هستند به

نحوی که صنعت نفت کشور را سازو برگ دهند چرا که این موجب آسیب زدن به ظرفیت های اقتصادی و تکنیکی آنها خواهد شد و این مبارزه نهادی همچنان میان دولت و شرکت های ملی نفت وجود دارد. این کشمکش ها ترکیبی از عدم تقارن قدرت میان این دو است. شرکت ملی نفت قدرتمند است؛ به این دلیل که از خود مهارت دارد که منظور از مهارت، فناوری و تجربه تجاری است. چرا که طریقه تجارت و روشهای کارکردن و چگونگی صرف هزینه های خود را، جدا از دولت مادر به خوبی می دانند.

دولت ها در مقابل این قدرت قوانین بازی ای را طراحی کردند که آن تعیین اهداف برای این بخش است و این دولت ها هستند که برای ایجاد رقابت و دعوت سرمایه گذاران خارجی تصمیم گیری می کنند. از طرف دیگر، ضلع سوم این مثلث، جامعه هم به دنبال به دست آوردن اطلاعاتی برای حمایت از فعالیت های شرکت ها و تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت ها در این بخش است. این کتاب به دنبال توضیح رابطه پیچیده میان دولت ها، اجتماع و شرکت های ملی نفت و بررسی آثار تحول صنعتی شرکت های ملی نفت به منظور شناسایی راهبرد و هویت این شرکت ها است و به نظرم به خوبی و شایستگی از عهده این هدف مهم برآمده است. شرکت های ملی نفت در حال تحول و به دنبال ایجاد تعادل میان ملت خود و اهداف تجاری خود هستند. کتاب حاضر در صدد شناسایی و تبیین این رویکرد می باشد و تالیف جدید و نوآورانه ای در این زمینه به شمار می رود که با دقت نظر و کنکاش و تحلیل مناسب به آن پرداخته است.

شرکت های ملی نفت در ابتدا ابزار دست سیاست های دولت ها محسوب می شدند. هدفی که در ابتدا دفاع از حق حاکمیت ملی بر منابع بود. در یک سابقه از ملی سازی منابع، آنها کنترل دولت بر سرعت بهره برداری و قیمت منابع محدود است. شرکت های ملی نفت همچنین دریافت میزان مشخصی از سود توسط دولت را تضمین می کنند؛ از آن زمان چالش جدید این بود که راهبرد و ساختار خود را به صورت دوره ای تغییر دادند.

باتوجه به تحولات اخیر حقوقی در صنعت نفت ایران از جمله تصویب قانون جدید نفت و قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و تحولات ساختاری اقتصادی در کشورمان که در پی خصوصی سازی و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون

اساسی وقانون مربوط به اجرای آن پذیرار شده است ؛ لزوم تحول درروابط شرکت ملی نفت ایران ودولت ضروری به نظر می رسد .این اثر علمی می توانددراین راستا استفاده شود وراهگشا باشد .امیدواریم شاهداین بهره علمی کاربردی باشیم .

دکترولی رستمی

دانشیارگروه حقوق عمومی دانشکده حقوق

وعلوم سیاسی دانشگاه تهران

شهریور ۱۳۹۴

مقدمه

تعیین چگونگی رابطه مالی و مدیریتی دولت و نفت یکی از مسائل مهم و اساسی کشور طی دهه‌های اخیر بوده است، برای مثال در کشور ایران، به‌تازگی دولت در پی اصلاح اساسنامه شرکت ملی نفت است و درصدد تعریف مجدد روابط بین شرکت ملی نفت با دولت است. تبیین این رابطه نیاز به تدوین قانون جامع نفت و اساسنامه شرکت‌های ملی نفت، گاز و پتروشیمی دارد و طرح این مسئله در لایحه بودجه سالیانه فاقد منطق اصولی است. عدم تصویب اساسنامه‌ای متناسب با قانون اساسی جمهوری اسلامی سبب شده است که دولت با استناد به اساسنامه مصوب سال ۱۳۵۶ (که متناسب با شرایط قبل از انقلاب است) اختیارات گسترده‌ای در مسائل حوزه نفت داشته باشد و در مواردی نیز خود را پاسخگوی مجلس نداند (مانند بحث انعقاد قراردادهای بیع متقابل و ...) تصویب قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت در سال ۱۳۹۱ تا حدودی توانست رابطه را شفاف‌تر کند اما با این وجود هنوز نیز ابهامات فراوانی وجود دارد بنابراین این کتاب تا حد زیادی می‌تواند راهنما و راهگشای قانون‌گذار در زمینه برگزیدن بهترین نوع رابطه بین موتور اقتصادی کشور و دولت باشد.

هدف مولف از نگارش این نوشته، این نیست که مجموعه‌ای از شرکت‌های ملی نفت خاورمیانه و آفریقای شمالی را به صورت جداگانه موشکافی کند؛ بلکه هدف در ابتدا تعیین معیارهایی از نوع رابطه‌ی دولت و شرکت ملی نفت و سپس مقایسه پنج شرکت ملی نفت در ارتباط با دولت‌های خود نسبت به این معیارها است. به عبارت دیگر، هدف اصلی از این کتاب، بررسی چند شرکت ملی نفت بسیار مهم در عرصه‌ی نفت و گاز و بررسی این شرکت‌ها از نظر شکل ارتباط آن‌ها با دولت‌هایشان و نقش آن‌ها از نظر اقتصادی و اجتماعی در کشورشان می‌باشد که از این جنبه‌ها نیز اختلافاتی بین آن‌ها وجود دارد و در نهایت در سطح صنعت، تفاوت‌های مهمی بین شرکت‌های ملی از نظر درجه‌ی یکپارچگی، محیط و فضای فعالیت و فرهنگ مشارکت وجود دارد.

از سوی دیگر، اهمیت شرکت‌های ملی نفت عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) بر کسی پوشیده نیست. چنانکه کوچک‌ترین کاهش و یا افزایش تولید و صادرات در میان این کشورها موجب تغییرات زیادی در قیمت حامل‌های انرژی

و بخصوص نفت در کل جهان می گردد. چنانکه اختلافات سیاسی در این کشورها بر اقتصاد بسیاری از کشورها در سرتاسر دنیا تأثیرگذار است به همین دلیل است که سال ها اتفاقات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در صدر اخبار دنیا قرار دارد.^۱

بررسی شرکت های ملی نفت در میان تمامی کشورهای عضو این سازمان تلاش و پژوهشی طولانی مدت می طلبد که از حوصله این نوشته خارج است؛ لذا در جهت نیل به مقصود و بررسی دقیق و موشکافانه تاریخچه، نحوه ی عملکرد و ارتباط آنان با رژیم سیاسی حاکم تمرکز اصلی این پژوهش بر روی پنج عضو بسیار تأثیرگذار در سازمان کشورهای صادرکننده نفت و جهان گذارده شده است. از آنجاکه این کشورها علی رغم شباهت های فرهنگی و اجتماعی با یکدیگر اختلافات عمیقی بین نحوه ی ملی سازی و اداره و مدیریت کنونی بخش هیدروکربن خوددارند و طی سال های اخیر موفقیت ها و شکست های مختلفی در نوع ارتباط خود با شرکت های ملی نفت خود تجربه کرده اند که در این پژوهش سعی بر آن است تا به اهم آنان پرداخته شده و چراغ راهی برای سیاست گذاران بخش نفت در ایران باشد.

لذا این کتاب و بررسی رابطه شرکت های ملی نفت و دولت در پنج کشور تأثیرگذار در دنیای انرژی یعنی ایران، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و الجزایر می تواند تا حدود زیادی به تدوین اساسنامه کمک بزرگی کرده باشد. چراکه چنانچه منصفانه بنگریم برخی تأسیسات سیاسی و حقوقی شکل گرفته در این کشورها مانند شورای عالی نفت (که بعداً توضیح داده خواهد شد) به عنوان یک نهاد مستقل از دولت و شرکت ملی نفت کارکردی بسیار مثبت در تدوین سیاست ها و نظارت بر این سیاست ها در میان این کشورها داشته است که جای چنین نهاد حساسی به شدت در بخش نفت ما احساس می شود.

شورش و انتقادات سال های اخیر علیه شرکت های ملی نفت به طور عمده به دلیل تعمیم دادن همه ی آن ها و نبود شناخت و درک عمیق از نقش آن ها بوده است. برخی از سردرگمی ها در مورد نقش شرکت های ملی نفت به دلیل تطبیق ناشایست با یکدیگر و با سایر کشورهای تولیدکننده و بعضاً مصرف کننده است حال که ممکن است ساختار حکومتی، سیاسی، اجتماعی و... این کشورها با یکدیگر بسیار

۱. امیرمعینی، حاجی میرزایی: ۱۳۸۴ ص ۹ به بعد

متفاوت باشد و اجازه‌ی مقایسه هر دو طرف به صورت یک کل به نام شرکت ملی نفت را ندهد و این الگوهای ساختاری و سازمانی خود شرکت‌ها نیست که بر عملکرد آن‌ها تأثیرگذار است. در این کتاب سعی بر آن شده است برخی این تفاوت‌های ساختاری به گونه‌ای عمیق و تحلیلی بررسی شده تا بتوان با شناختی دقیق‌تر از شرکت‌های ملی نفت، کارکردهای آنان را با یکدیگر مقایسه کرد. امید است که این کتاب بتواند راهنمایی برای تدوین کنندگان اساسنامه شرکت ملی نفت و چراغ راهی برای آینده صنعت نفت کشورمان باشد تا مدیران شرکت ملی نفت بتوانند با الهام از شرکت‌های ملی نفت همسان خود در جهان، عملکرد بهتری را برای این نهاد مهم و تأثیرگذار در همه بخش‌های مدیریتی و تجاری و حقوقی آن رقم بزنند.

اسلام افضلی

مهر ۱۳۹۴